

Structural and content analysis of Naser Feyz's parody*

Majid Danaei

PhD student in Persian language and literature, Yazd University

Dr. Majid Pooyan¹

Assistant professor of Persian language and literature, Yazd University

Dr. Yadollah Jalali Pandari

Professor of Persian language and literature, Yazd University

Abstract

This article aims at the content and structural analysis of the poetry of Nasser Feyz, a contemporary satirical poet, in his four comic collections (i.e., The Omlete with Handle, Near the Cucumber Stub, Feyzbook and Feyzanlah). The authors first provide a precise definition of parody and then, based on that, analyze the content and structure of Naser Feyz's parodies. In terms of the content, those parodies both make at the readers laugh at satirical elements and raises criticisms of social, economic, moral, cultural and political issues. From the structural point of view, the rules of language, music, semantics and imagery are applied to create graceful inconsistencies that are in line with the paradigmatic structure. For example, the poet has shown his skills in the realm of language through word verbal games, word-formation, double pluralization, and folklore.

Keywords: Parody, Naser Feyz, Comic poetry, Contemporary poetry.

* Date of receiving: 2019/7/12

Date of final accepting: 2020/6/26

1 - email of responsible writer: pooyan@yazd.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش نامه

سال بیست و دوم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۴۸

صفحات ۲۰۲-۱۶۵

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.48.6.6](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.48.6.6)

تحلیل محتوایی و ساختاری نقیضه‌های ناصر فیض*

(مقاله پژوهشی)

مجید دانائی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

دکتر مجید پویان^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

دکتر یدالله جلالی پندری

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

چکیده

این نوشتار به تحلیل محتوایی و ساختاری نقیضه‌های شاعر طنزپرداز معاصر، ناصر فیض، در چهار مجموعه شعر طنزآمیز او («املت دسته‌دار»، «نزدیک ته خیار»، «فیض‌بوک» و «فیضاً له») پرداخته است. نگارندگان بر آن بوده‌اند تا تعریفی دقیق از نقیضه ارائه دهند و بر اساس آن کوشیده‌اند نقیضه‌های ناصر فیض را واکاوی نمایند. در زمینه محتوایی نقیضه‌های فیض ضمن خنداندن مخاطبان و بهره‌گیری از عناصر طنزآمیز، انتقادهایی را در حیطه مسائل اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی مطرح ساخته است. در زمینه ساختاری، نقیضه‌های فیض با اعمال قواعدی در قلمرو زبان، موسیقی، معنا و تصویر، ناسازگاری‌هایی را پدید آورده است که با ساختار نقیضه‌ها همسویی دارد؛ به‌عنوان مثال، شاعر در ساختار زبانی از طریق واژه‌سازی، بازی زبانی، جمع‌الجمع‌سازی، عامیانه‌نویسی و ... مهارت‌های خود را نشان داده است. در زمینه موسیقی شعر، با برهم‌زدن قواعد معمول در وزن و قافیه و ردیف، فضای متناسبی را پدید آورده؛ به لحاظ معنایی دست به آشنایی‌زدایی زده و در عرصه خیال‌پردازی، تصاویری طنزآمیز و کاریکاتوروار خلق کرده است.

واژه‌های کلیدی: نقیضه‌پردازی، ناصر فیض، شعر طنز، شعر معاصر.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۱

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: pooyan@yazd.ac.ir

۱- مقدمه

شعر نمودی فرهنگی ادبی از مسائل جوامع به شمار می‌آید و شاعر به مدد سرودن و آفرینش هنری، حرف‌ها و انتقادات و افکار و احساس‌های خود را بیان می‌کند و اوضاع زمانه را به تصویر می‌کشد. به تعبیر یکی از پژوهشگران «اصولاً میان اثر ادبی و اوضاع اجتماع، رابطه‌ای وجود دارد که کشف آن رابطه، اصل و اساس ادراک آن اثر قرار می‌گیرد. همچنین از آنجا که شاعر، عضوی از اعضای جامعه است، می‌توان او را چون موجودی که تلاش می‌کند از ابزاری مانند زبان به‌عنوان ماده اولیه شعرش استفاده کند، مطالعه کرد. شاعران غالباً مستقیم و غیرمستقیم، آگاهانه یا ناآگاهانه مانند هر شهروند دیگری در برابر مسائلی که در جامعه اهمیت دارند، واکنش نشان می‌دهند و در جریانات زمان خود شرکت می‌کنند» (زیرک، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

یکی از انواع پرمخاطب شعر، شعر طنز است. شاعران طنزپرداز از دریچه‌های تازه‌ای به پدیده‌ها می‌نگرند و در صافی ذهن خود، موضوع‌هایی را غربال می‌کنند که کمتر به چشم می‌آیند. همین امر، نوعی طراوت و تازگی را برای مخاطب پدید می‌آورد و سبب می‌شود او هم نقطه‌های دیده‌نشده را از نظر بگذراند. در همین ارتباط، نقیضه‌پردازی یکی از نوع‌های ادبی تقلیدی و طنزآمیز است که گوینده از رهگذر آن، مقاصد خود را بیان می‌کند. نقیضه‌گویی‌ها در اغلب مواقع، به قصد طنز و انتقاد و سرگرمی و شوخ‌طبعی مطرح می‌شوند. گاه نیز به خط قرمزها نزدیک می‌شوند و حتی در موضوعات هزل و هجو از خط قرمزها نیز عبور می‌کنند.

هدف اصلی این نوشتار، بررسی و تحلیل نقیضه‌های شاعر طنزپرداز معاصر، ناصر فیض در مجموعه اشعار طنزآمیز «املت دسته‌دار» (۱۳۸۴)، «نزدیک ته خیار» (۱۳۸۸)، «فیض‌بوک» (۱۳۹۲) و «فیضاً له» (۱۳۹۵) است. نگارندگان در این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

- ۱) چه مقدار از حجم اشعار شاعر در چهار مجموعه یادشده به نقیضه‌سرایی اختصاص یافته است؟
- ۲) شاعر در نقیضه‌ها چه نوع مفاهیمی را به مخاطبان انتقال داده است؟
- ۳) در ساختار نقیضه‌ها از چه شگردهایی استفاده شده است؟
- ۴) شاعر تا چه میزان در به‌کارگیری این نوع ادبی موفق بوده است؟

۲- پیشینه پژوهش

طبق بررسی و جست‌وجوی نگارندگان این مقاله در منابع معتبر پژوهشی، در ارتباط با تحقیق حاضر هیچ نوشته مستقلی تألیف نشده است؛ اما پژوهش‌هایی در ارتباط با نقیضه‌پردازی انجام شده که می‌توان آنها را در دو دسته جای داد: برخی از این پژوهش‌ها با تکیه بر مسائل نظری نقیضه‌پردازی نوشته شده است؛ از جمله:

- ۱) اخوان ثالث، مهدی، «نقیضه و نقیضه‌سازان»، (۱۳۷۴).
- اخوان در این کتاب، ضمن تعریف و بیان انواع نقیضه، نمونه‌های مشابه از جمله تزریق، تزویر، مجابات و ... را نیز بررسی کرده است.
- ۲) قاسمی‌پور، قدرت، «نقیضه در گستره نظریه‌های ادبی معاصر»، (۱۳۸۸).
- این مقاله به بیان دیدگاه‌های فرمالیست‌های روسی درباره نقیضه و ارتباط آن با بینامتنیت و ساختارشکنی پرداخته است.
- ۳) صدریان، محمدرضا، «تحلیل تعاریف نقیضه»، (۱۳۸۹).
- نگارنده در این مقاله با تأکید بر نظریه گفت‌وگویی باختین و با توجه به دیدگاه‌های ژنت و بارت، می‌کوشد تا تعریف درستی از نقیضه و پارودی به دست دهد.
- ۴) فلاح قهرودی، غلامعلی و زهرا صابری تبریزی، «نقیضه و پارودی»، (۱۳۸۹).

این نوشتار در عین بررسی انواع اصلاحات مربوط به حوزه نقیضه، به مشخص کردن تفاوت‌ها پرداخته و ضمن به‌کارگیری اصطلاح نقیضه، به این نتیجه رسیده که نقیضه معادل بورلسک به کار برده می‌شود.

۵) عرب‌نژاد و دیگران، «اصطلاح‌شناسی تطبیقی نقیضه و پارودی»، (۱۳۹۵).
به اعتقاد نگارندگان این مقاله، اصطلاحات مهمی چون پاستیش و گروتسک و ارتباط آنها با پارودی نادیده انگاشته شده است؛ از این رو به صورت تطبیقی اصطلاحات مربوط به پارودی و نقیضه فارسی بررسی گردیده است.
برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز به بررسی و تحلیل نقیضه‌پردازی در اثر یا آثار یک نویسنده یا شاعر نقیضه‌پرداز پرداخته‌اند؛ از جمله:

۱) زیرک، نصرالله، «تحلیل ساختار و کارکرد پارودی دیوان البسه نظام قاری یزدی»، (۱۳۹۰).

به اعتقاد نگارنده این مقاله، پارودی (Parody) در شعر نظام قاری یکی از شیوه‌های بیان غیرمستقیم در انتقادهای اجتماعی و شاخه‌ای از ادبیات طنز است که ضمن نشان دادن لبخند بر لبان مخاطب، دیدگاه انتقادی شاعر را با کاریکاتوری از کلمات نشان می‌دهد.

۲) کاسی، فاطمه و محمدصادق بصیری، «جلوه‌های نقیضه در دو داستان پریزاد و پریمان و مشی و مشیان اثر صادق چوبک»، (۱۳۹۴).
نویسندگان این مقاله پس از تعریف نقیضه و ویژگی‌های آن، به شیوه تحلیل، جایگاه آن را در نظریه‌های ادبی چون فرمالیسم، ساختارگرایی، ساخت‌شکنی و همچنین منطق گفت‌وگویی بررسی کرده‌اند و بر اساس آن به بررسی این دو داستان صادق چوبک پرداخته‌اند.

۳) عرب‌نژاد، زینب و دیگران، «چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب عقایدالنساء»، (۱۳۹۴).

نویسندگان این مقاله ضمن بررسی انواع نقیضه، کارکرد این تکنیک و هدف کاربرد این روش را در کتاب عقایدالنساء مورد بررسی قرار داده‌اند.

۴) عرب‌نژاد، زینب، ۱۳۹۶، «وجوه نقیضه‌پردازی در اشعار نظام‌الدین قاری یزدی»، (۱۳۹۴).

هدف نگارنده در این مقاله پرداختن به ساختار، اغراض، اشکال و محتوای دیوان اشعار نظام‌الدین قاری یزدی با استفاده از روش تحلیل و توصیف است.

اگرچه آثار یادشده در جهت نوشتن این جستار سودمند است، اما هیچ‌یک ارتباط مستقیمی با موضوع اصلی مقاله ندارد. گفتنی است نوشتار حاضر در راستای پژوهش‌های دسته دوم قلمداد می‌شود؛ یعنی به بررسی ابعاد و وجوه محتوایی و ساختاری نقیضه‌پردازی در آثار یک شاعر معاصر (ناصر فیض) می‌پردازد.

۳- بحث نظری

با توجه به آنکه در زمینه تعریف درست و دقیق نقیضه اختلاف نظر وجود دارد، ابتدا تعاریف مختلف این اصطلاح بررسی و نقد می‌شود. سپس نگارندگان می‌کوشند تا تعریف واحد و جامعی از آن ارائه دهند.

۳-۱- نقیضه از چشم‌انداز پژوهشگران

نقیضه از ریشه نقض در زبان عربی است. «لغت‌نامه‌ها آن را به معانی شکستن استخوان، ویران کردن عمارت، از هم گسلاندن رشته و بر هم زدن پیمان درج کرده‌اند. این کلمه در قرآن، هفت بار، به صورت اسم و فعل در معنی شکستن پیمان (بقره/۲۷، نساء/۱۵۵، انفال/۵۶، رعد/۲۰ و ۲۵، نحل/۹۱) و یک بار نیز در معنای گسستن رشته (نحل/۹۲) به کار رفته است» (فلاح قهرودی و صابری تبریزی، ۱۳۸۹: ۲۱). معادل

انگلیسی نقیضه، Parody و معادل فرانسوی‌اش Parodie از واژه لاتین Parodia و واژه یونانی Parodia ریشه گرفته است (نک: اصلانی، ۱۳۸۴: ۸۲).

مهدی اخوان ثالث از جمله کسانی است که به صورت جدی نخستین تحقیقات علمی در ارتباط با نقیضه را در سال ۱۳۵۵ در هفته‌نامه هنر (ضمیمه روزنامه اطلاعات) منتشر کرد. بعد از درگذشت اخوان، ولی‌الله درودیان یادداشت‌های وی را تنظیم و تدوین کرد و به صورت منسجم در کتابی با عنوان «نقیضه و نقیضه‌سرایان» در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسانید. اخوان در کتاب خود، بتفصیل، درباره نقیضه و نقیضه‌سرایان صحبت کرده و درباره وجوه مختلف این اصطلاح، سخن رانده است. وی پس از تحلیلی طولانی درباره نقیضه، به این نتیجه رسیده است که از دو دریچه می‌توان به این اصطلاح نگریست:

- ۱) نقیضه در شعر به معنای نقض و شکستن و جواب مخالف جد و جدالی [است] برای مقابله و نظیرگویی یا رد و تخطئه شعر شاعری دیگر، یا کلاً اثر ادبی و فکر دیگری اعم از شعر و نثر ... که آن را می‌توان «نقیضه جد» نامید؛
- ۲) نقیضه به معنای پارودی (Parody) فرنگان که آن را می‌توان «نقیضه هزل» نامید (نک: اخوان ثالث، ۱۳۹۰: ۲۹).

نکته مهم دیگری که اخوان ثالث در زمینه نقیضه‌پردازی بدان توجه کرده این است که نقیضه قالب ادبی مشخصی نیست که اهل قلم از آن به‌عنوان تقلیدی طنزآمیز استفاده کنند؛ چراکه نقیضه ممکن است در هر شکل و قالبی به کار رود. بنابراین نقیضه وجهی معنایی است که در هر قالب و ساختار خاصی رخ می‌نمایاند.

به تعبیر خود اخوان، «باید دانست که نقیضه اسم و اصطلاح محتوا و غرض نوعی سخن منظوم و منثور است، نه اسم شکل و قالب قسمی شعر یا نثر. یعنی نمی‌توان گفت فی‌المثل رباعی، قصیده، مثنوی، قطعه، نقیضه و ...؛ بلکه باید گفت مثلاً مدح، مرثیه، غنا، روایت، تمثیل، حماسه، هجا، نقیضه و ... و این نکته‌ای اصلی و مهم است؛ زیرا که

می‌بینیم و خواهیم دید که در همه اقسام سخن و قوالب و اشکال کلام، نقیضه ممکن است نوشت و سرود و غالباً، نوشته‌اند و سروده. یعنی باید بر اسامی مقاصد و اغراض شعر و سخن، این را هم بیفزاییم؛ زیرا نقیضه برای اغراضی است که بعضی مردم هنری و سخنور از دیرباز، در همه زبان‌ها داشته‌اند و دارند» (اخوان ثالث، ۱۳۹۰: ۳۸).

علی‌اصغر حلبی به جای کاربرد لفظ «نقیضه» از «پارودی» نام می‌برد و بر آن است که «قلب اشیاء و الفاظ» یکی از برجسته‌ترین ابزارها برای هجاگویی و دگرگون کردن چیزها و واژه‌هاست و پارودی را نوعی از قلب و تغییر می‌داند که یکی از پایه‌های هجا در ادبیات و موسیقی است و در شعر، به این معناست که شاعری از اشعار دیگران اقتباس می‌کند، خواه برای هجو و تخطئه و تحقیر او و خواه برای مسخرگی و شوخ‌طبعی خودش» (ر.ک.: حلبی، ۱۳۶۴: ۶۷). او در بحث نقیضه به جنبه منفی آن (هجو و هزل) نظر داشته است.

حسن جوادی، نقیضه را تقلید یا نظیره طنزآمیز می‌شمارد و آن را از فنون عمده طنز و دارای انواع مختلف می‌داند که به وسیله تحریف و مبالغه، موجب سرگرمی و استهزا و گاهی تحقیر می‌شود (ر.ک.: جوادی، ۱۳۶۵: ۲۰). این پژوهشگر به جنبه‌های دیگر نقیضه نیز توجه داشته است.

سیما داد در «فرهنگ اصطلاحات ادبی»، نقیضه را نوعی جواب می‌داند و معتقد است: «نقیضه (جواب) در لغت بازگونه جواب گفتن شعر کسی برای مهاجرات و هجوگویی است و در اصطلاح، نوعی تقلید سخره‌آمیز ادبی می‌باشد. شاعر و نویسنده نقیضه‌ساز از سبک، قالب و طرز نگارش نویسنده یا شاعری خاص تقلید می‌کند؛ ولی به جای موضوعات جدی و سنگین ادبی در اثر اصلی، مطالبی کاملاً مغایر و کم‌اهمیت می‌گنجانند تا درنهایت، اثر اصلی را بنحوی تمسخرآلود، جواب گفته باشد» (داد، ۱۳۸۰، ذیل نقیضه).

بهمنی مطلق و مالکی نیز، همانند سیما داد، نقیضه را نوعی جواب غیرجد برمی‌شمارند و معتقدند: «جواب غیرجد، نوعی جواب که شاعر با حفظ وزن، قافیه، و ردیف یک شعر جدی، مضمون آن را به شکلی ریشخندآمیز و تحقیرکننده دگرگون می‌کند که نام دیگر آن نقیضه است. به عبارت دیگر، شاعر نقیضه‌گو عملی را مانند کاریکاتور نیست انجام می‌دهد و جوابی به شعر می‌دهد که به طرز مضحکی، در موضع تعارض با شاعر اول است» (بهمنی مطلق و مالکی، ۱۳۹۴: ۷۸).

در «فرهنگنامه ادبی فارسی» آمده است: «نقیضه گونه‌ای جواب است که به تقلید از اثر ادبی دیگری، گفته شده و در آن، شاعر یا نویسنده نقیضه‌ساز ضمن شباهت نقیضه متن تقلیدی با اثر اصلی متن تقلیدشده، سبک و لحن و نگرش یا افکار شاعر یا نویسنده را مسخره می‌کند یا خنده‌دار نشان می‌دهد» (انوشه، ۱۳۷۹: ۱۳۷۶).

محمدرضا اصلانی نیز معتقد است «نقیضه، به‌عنوان اصطلاح ادبی به تقلید اغراق‌آمیز و مضحک از یک اثر ادبی مشخص اطلاق می‌شود. در این تقلید که می‌تواند از کلمات، سبک، نگرش، لحن یا بیان عقاید نویسنده باشد، سایه اثر اصلی همواره محسوس است. البته باید در نظر داشت در نقیضه‌نویسی، اثر ادبی دوم استقلال هنری خاص خود را دارد» (اصلانی، ۱۳۸۴: ۸۲).

به اعتقاد قاسمی‌پور «نقیضه عبارت است از متنی که متن یا گونه ادبی «جدی» دیگری را سرمشق خود قرار می‌دهد و به تمسخر و تقلید مضحکه‌آمیز آن می‌پردازد. البته، نقیضه فقط به معنای تقلید مضحکه‌آمیز نیست؛ بلکه هر نقیضه‌ای علاوه بر تقلید مضحکه‌آمیز و تخریب و واسازی الگو و سرمشق خود، شامل نوعی جهت‌گیری انتقادی و تعریض‌آمیز در قبال برخی مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فلسفی نیز هست» (قاسمی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

۳-۲- تحلیل تعریف نقیضه

چنانکه ملاحظه می‌شود، هریک از پژوهشگران از چشم‌انداز خود، به تعریف نقیضه پرداخته‌اند: برخی آن را در قید «جواب غیرجد گنجانده‌اند»؛ برخی صرفاً آن را در «هزل و مسخرگی» محدود کرده‌اند؛ برخی آن را با «پارودی» مقایسه کرده‌اند؛ برخی به جنبه «تقلیدی بودن از سبک و لحن» آن توجه داشته‌اند و برخی آمیزه‌ای از این ویژگی‌ها را مطرح ساخته‌اند.

نکته حائز اهمیت این است که بیشتر محققان به سیر تطور این اصطلاح -چه در قلمرو ادبیات فارسی و چه در قلمرو ادبیات عربی و چه در قلمرو ادبیات غربی- توجه نداشته‌اند و این بی‌توجهی سبب شده تا تعاریفی متعدد و مختلف، ارائه شود. به نظر می‌رسد محققان باید نخست بر تطور این واژه در ادبیات فارسی متمرکز می‌شدند و تغییراتی را که از ابتدا تا امروزه در معنای این اصطلاح افتاده بررسی می‌کردند و سپس، همین تطور را در زبان‌های دیگر دنبال می‌کردند و اگر تطابقی میان اصطلاحات بوده آن را مطرح می‌ساختند.

بنابراین، می‌توان گفت هر یک از تعاریف ذکرشده از منظری درست است، اما لزوماً دقیق نیست؛ زیرا اصلاح نقیضه فقط محدود به یک دوره زمانی بوده است. حتی پژوهشگرانی که به تطبیق اصطلاح نقیضه با معادل این واژه در زبان‌های اروپایی پرداخته‌اند، به جهت بررسی نکردن تحول تاریخی اصطلاح نقیضه، اختلاف نظر پیدا کرده‌اند. به عنوان مثال، در دانشنامه «دانش گستر»، نقیضه در مقابل دو اصطلاح پارودی (حفظ شکل و تغییر معنا) و تراوستی (Travesty: حفظ معنا و تغییر شکل) قرار داده شده است (ر.ک.: رامین و دیگران، ۱۳۸۹: ذیل نقیضه)؛ در حالی که صدریان (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل تعاریف نقیضه»، معتقد است نقیضه‌سازی در ادبیات اروپایی نوعی تقلید ناهمگون است که با عنوان «برلسک» (Burlesque) از آن یاد می‌شود و برلسک به دو نوع برلسک عالی (سبک و قالب عالی ولی موضوع و محتوای پست؛ شامل پارودی و

سخره حماسه) و برلسک پست (سبک و قالب پست و موضوع و محتوای عالی؛ شامل هودیبراستیک (Hudibrastic) و تراوستی) تقسیم می‌شود. عرب‌نژاد و دیگران (۱۳۹۵) نیز در مقاله «اصطلاح‌شناسی تطبیقی نقیضه و پارودی»، معتقدند که نقیضه‌های فارسی معادل پاستیش (Pastiche) در ادبیات انگلیسی هستند.

از آنجا که یکی از اهداف این مقاله، ارائه تعریفی درست و دقیق از نقیضه است - و نه تطبیق این اصطلاح با نوع مشابه غربی آن - تلاش می‌شود تا بر اساس شواهد ادبی و تحولات فرهنگی و اجتماعی این تعریف به دقیق‌ترین شکل ممکن بیان گردد. در مجموع به نظر می‌رسد که در شعر قدیم، نقیضه بیشتر نوعی جواب‌گویی، رقیب‌طلبی، دعوی‌داری، دشمن‌پنداری و هجوگویی بوده است که با توجه به ساختار اثر اصلی، آفریده می‌شده است؛ چنانکه شواهد آن در اشعار غضایری رازی، قطران تبریزی، خاقانی شروانی، اثیرالدین اخسیکتی، عثمان مختاری، سوزنی سمرقندی و برخی شاعران دیگر مشاهده می‌شود. به مرور زمان، اهداف دیگری در نقیضه‌ها ظاهر می‌شوند و به این ترتیب نقیضه‌ها کاربردهای تازه‌ای می‌یابند. انتقاد از ساختارهای نادرست اجتماعی و ابتذال‌های فرهنگی و افراط‌های هنری از جمله مهم‌ترین کارکردهایی است که در نقیضه‌ها بیان می‌شوند؛ به‌عنوان مثال کتاب «اخلاق‌الاشراف» عبید زاکانی نقیضه‌ای بر کتاب «اوصاف‌الاشراف» خواجه‌نصیرالدین طوسی در انتقاد از اوضاع اجتماعی زمانه است و «رساله تعریفات» وی نیز نقیضه‌ای بر کتاب‌های لغت به شمار می‌آید. (ر.ک.: میرصادقی، ۱۳۷۶: ذیل نقیضه) همچنین عبید «در رساله صدپند که درویش‌نامه نیز نامیده شده است به تقلیدی هجوآمیز از پندنامه‌هایی می‌پردازد که از انواع مهم ادبی به شمار می‌آیند و به جهت کثرت و بی‌مایگی، در معرض ابتذال قرار گرفته بودند» (فلاح‌قهرودی و صابری‌تبریزی، ۱۳۸۹: ۲۴).

گاه نیز دشمن تراشی‌ها و انتقادهای و ابتذال‌ها کم‌رنگ می‌شوند و طنزپردازی‌ها و سرگرمی‌ها قوت تازه‌ای می‌یابند. اوج این خلاقیت‌ها را می‌توان در آثار بسحاق اطعمه شیرازی و نظام‌الدین قاری یزدی جست‌وجو کرد.

آنچه میان همه تطورات ادبی و تحولات تاریخی در زمینه این اصطلاح مشترک بوده این است که نقیضه در همه دوره‌ها، تقلیدی طنزآمیز از ساختار یک اثر به شمار می‌رفته و آنچه مختلف بوده اهدافی بوده که از طریق نقیضه‌ها حاصل می‌شده. گاهی هدف جواب دادن محترمانه به کسی بوده، گاهی جواب با هجو و هجا، گاهی طنز و سرگرمی و مهمل‌گویی و گاهی انتقاد بوده است.

در مجموع، در ارتباط با نقیضه، می‌توان گفت نقیضه نوعی تقلید طنزآمیز هنرمندانه است که با تأثیرپذیری از ساحت ساختار آثار ادبی شکل می‌گیرد و برای مقاصدی چون جواب گفتن، دشمنی ورزیدن، به استهزاء گرفتن، فحش دادن، خندانیدن، سرگرم‌ساختن، انتقادکردن و... به کار می‌رود.

در دوران گذشته، مهم‌ترین کتاب‌های برجای‌مانده در زمینه نقیضه‌نویسی عبارت‌اند از: دیوان اشعار بسحاق اطعمه، دیوان اشعار نظام قاری، اخلاق‌الاشراف عبید زاکانی، خارستان حکیم قاسمی کرمانی، ملستان میرزا ابراهیم خان تفرشی و... در دوران معاصر برخی مقالات دهخدا در چرندپرند یا قضیه‌های صادق هدایت در غوغ‌سهاپ یا نوشته‌های فریدون توللی در التفصیل، تذکرة‌المقامات ابوالفضل زرویی نصرآباد، دیپلمات‌نامه یوسفعلی میرشکاک و جوامع‌الحکایات منوچهر احترامی در زمرة نقیضه‌ها به شمار می‌روند.

گفتنی است نقیضه‌ها صرفاً، به تقلید از اثر نویسنده یا شاعری نوشته نمی‌شده؛ بلکه گاه تقلیدی طنزآمیز از نوع خاص متونی بوده که حالت افراط‌گونگی و ابتذال در آن رسوخ کرده است. به‌عنوان مثال، کتاب «عقایدالنساء» (کلثوم ننه) اثر آقاجمال‌الدین

خوانساری نقیضه‌ای برجای‌مانده از دوره صفوی است که بر اساس الگوپذیری از «رساله‌های عملیه» با موضوع نقد عقاید خرافی زنان آن عصر نوشته شده است. همچنین، کتاب «مقویم» نوشته میرزارضاخان افشار نیز نقیضه‌ای است که با الگوپذیری از «تقویم‌های قمری» آن زمان که هر روز در آن به کاری اختصاص داشته، نوشته شده است. «تذکره یخچالیه» نوشته میرزا محمدعلی مذهب اصفهانی (بهار) نیز با الگوپذیری از تذکره‌نویسی‌ها به نگارش درآمده است.

۴- بحث

اکنون که تعریف مشخصی از نقیضه به دست دادیم، نقیضه‌های یکی از شاعران طنزپرداز معاصر یعنی ناصر فیض را واکاوی می‌نماییم. ابتدا، شرح مختصری از زندگی وی را بیان می‌کنیم و سپس، در دو ساحت محتوا و ساختار به تحلیل تکنیک‌های شاعر در نقیضه‌ها می‌پردازیم.

۴-۱- نگاهی گذرا به زندگی و آثار ناصر فیض

ناصر فیض در سال ۱۳۳۸ در قم به دنیا آمد. وی شاعری را با شعر جد از سال ۱۳۶۳ شروع کرده است. نخستین شعرهای وی پس از رفتن به جبهه و در حال و هوای جنگ تحمیلی با موضوع دفاع مقدس سروده شده است:

رفتیم به جبهه کربلا را دیدیم خواندیم خدا را و خدا را دیدیم
ما حج نمودیم و طوافش کردیم ما سعی نکردیم و صفا را دیدیم
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۴)

بعد از جنگ، به شعر طنز رو می‌آورد. وی درباره اینکه چرا به حوزه طنز متمایل شده، می‌نویسد: «همین که می‌توانم با پرداختن به «هیچ» مخاطب را بخندانم احساس می‌کنم از یک توانایی برخوردارم که شاید در هر کس نباشد» (فیض، ۱۳۹۵: ۲۲).

ناصر فیض با چاپ اولین مجموعه اشعار طنزش به نام «املت دسته‌دار» (۱۳۸۴) در جوامع ادبی و هنری، مطرح می‌گردد. چهار سال بعد، مجموعه شعر طنز «نزدیک ته خیار» (۱۳۸۸) چاپ می‌شود. در سال ۱۳۹۲ مجموعه شعر طنز دیگری از وی با عنوان «فیض‌بوک» به چاپ می‌رسد. کتاب «فیضاً له» (۱۳۹۵) نیز آخرین کتاب او در حوزه شعر طنز قلمداد می‌شود.

بررسی دقیق کتاب‌های یادشده نشان می‌دهد شاعر در هر یک از آثار خویش، اشعاری در نوع نقیضه سروده است. در «املت دسته‌دار» ۸ شعر نقیضه، در «نزدیک ته خیار» ۱۸ شعر نقیضه و در «فیض‌بوک» ۱۲ شعر نقیضه به چشم می‌خورد. تمام کتاب «فیضاً له» نیز نقیضه‌هایی است که بر اساس تکبیت‌های حافظ شیرازی سروده شده است.^۱ در مجموع این آثار، بیشترین نقیضه‌ها به تأثیرپذیری از حافظ سروده شده است. این تقلید هوشمندانه نشان می‌دهد که فیض نه تنها تحت تأثیر فصاحت و بلاغت کلام حافظ قرار گرفته و نمودهای خلاقانه آن را در کلامش نشان داده، بلکه باعث گردیده که شاعر از طنزپردازی‌ها و رندی‌های حافظ نیز متأثر شود و در خلال آن به انتقادهای مختلف دست یازد؛ به‌عنوان مثال حافظ غزلی با مطلع «گل در بر و می در کف و معشوق به کام است» دارد که ناصر فیض نقیضه آن را چنین سروده است:

گل در بر و می در کف و معشوق به کام است	من مانده‌ام اینجا که حلال است؟ حرام است؟
با اینکه به فتوای دل اشکال ندارد	گر یار پسندید تو را کار تمام است
در مذهب ما باده حلال است، ولی حیف	در مذهب اسلام همین باده حرام است
شد قافیه تکرار ولی مسأله‌ای نیست	چون شاعر این بیت طرفدار نظام است ... ^۲

جدول ۱- تعداد نقیضه‌های حافظانه و غیرحافظانه در مجموعه‌ها

نام مجموعه	تعداد نقیضه‌های حافظانه	تعداد نقیضه‌های غیرحافظانه
املت دسته‌دار	۷	۱ (احمد عزیزی)
نزدیک ته خیار	۶	۱۲ شعر (مولوی، سعدی، قصاب کاشانی، مجذوب‌علی شاه، میرزااحسین مشرف اصفهانی، سهراب سپهری، سیدرضا محمدی، محمدسعید میرزایی (۲ شعر)، کورش کیان‌قلعه‌سردی، علی داوودی، رسول یونان)
فیض‌بوک	۶	۶ شعر (سیمین بهبانی، هوشنگ ابتهاج، محمدعلی بهمنی (۲ شعر)، بهمن صباغ‌زاده، حمیدرضا شکارسری)
فیضاً له	۱۰۰ تک‌بیت	-

علاوه بر نقیضه‌های یادشده، ناصر فیض نقیضه‌هایی نیز سروده است که نه بر اساس تقلید از شعر یک شاعر بلکه بر اساس تقلید از یک نوع یا قالب خاص است؛ مانند نقیضه‌هایی که بر اساس قالب ترانه یا غزل مدرن یا شعر سپید سروده شده که هدف اصلی شاعر در آن، نقد چنین نوع‌ها یا قالب‌هایی است که شکلی از افراط و ابتدال به خود گرفته‌اند.

۴-۲- تحلیل محتوایی نقیضه‌ها

اصولاً نقیضه‌ها به قصد خنداندن، سرگرم‌ساختن، به‌سخره‌گرفتن، هجو گفتن و انتقادکردن سروده می‌شوند. در اشعار ناصر فیض بیشتر نقیضه‌ها با هدف خنداندن یا انتقادکردن سروده شده‌اند؛ چنانکه در نقیضه‌ای با مطلع:

کسی بیاید و ذوق مرا بگیراند عروس شعر مرا در جهان بگرداند
می‌گوید:

نتیجه این که فقط این نقیضه را گفتم برای آن‌که شما را کمی، بخنداند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

اگرچه شاعر به هجو و هزل نیز عنایتی دارد و معتقد است «اگر هجو نبود ادبیات ما چیزی کم داشت» (فیض، ۱۳۸۸: ۱۸)، با این حال رد پای از هجو و هزل در اشعار وی دیده نمی‌شود و خود شاعر نیز به این مسأله اذعان دارد:

من اگر هزل نگفتم گله از من نکنید هی نگویید که تالی سمرقندی نیست
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۴۹)

حتی در نقیضه‌ای که در ذم یکی از شاعران سروده، اگرچه حرف هجو را پیش می‌کشد، اما در عمل اثری از این مدعا در این شعر دیده نمی‌شود و در حد یک تهدید و تعریض باقی می‌ماند:

رسید مژده که اشعار بد نخواهد ماند چنانکه شعر جناب اسد نخواهد ماند...
مگر به هجو من ای دوست ماندگار شوی کسی که از قلمم اوفتد نخواهد ماند
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۱۳۵)

اما بخش قابل توجهی از نقیضه‌پردازی‌های فیض محملی برای انتقادهای مختلف شده است. از آنجا که یکی از رسالت‌های شاعر، بویژه شاعر طنزپرداز و نقیضه‌سرا، نقد معضلات اجتماعی و دغدغه‌های فرهنگی و اخلاق انسانی است، این موضوع‌ها در ابعاد مختلفی در شعر شاعر انعکاس می‌یابند.

در ادامه، به ذکر ابعاد مختلف این انتقادهای می‌پردازیم.

۴-۲-۱- انتقادهای اجتماعی

فیض در خلال نقیضه‌هایش در حوزه آفات اجتماعی به مسائلی همچون رشوه‌گیری برخی مسئولان، بی‌مسئولیتی مدیران، فرار مغزها از وطن و... توجه داشته است؛ به‌عنوان مثال برای اینکه گستره ابعاد رشوه‌گیری را نمایان سازد می‌گوید:

احتراماً رشوه می‌گیرد ز خلق چون رئیس خویش، دربان نیز هم
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۶۸)

شاعر به معضلات روزمره‌ای که مردمان سرزمینش با آن دست‌به‌گریبان هستند توجه داشته و آنها را برجسته کرده است. مسأله آلوده بودن آب شرب در برخی شهرها و بی‌تدبیری مسئولان به جهت پیدانکردن راه‌حلی مناسب برای رفع آن در قالب نقیضه‌ای تلخ جلوه‌گر شده است:

خاک، آلوده مهم نیست که آب، آلوده چه کسی گفت فقط هست شراب آلوده
من که گشتم ولی افسوس ندیدم هرگز فاضلابی که نگشته است به آب آلوده
چه کنم آب گل‌آلود به خوردم ندهند که صفایی ندهد آب تراب آلوده
کوچه، میدان، وسط شهر، اتاق من و تو چیست تا نیست در این شهر خراب آلوده؟
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۶۳)

دغدغه اجتماعی دیگر در نظرگاه فیض، موضوع نخبه‌گریزی یا فرار مغزهاست. اگرچه شاعر عرق خاصی به وطنش دارد؛ اما از اینکه هم‌وطنانش چنین عرقی ندارند، متعجب است:

بوی وطن که می‌وزد من که ز حال می‌روم در عجبم چرا کسی میل وطن نمی‌کند؟
تا به حساب آهوان رفته خطای شیرها نافه به هیچ علتی، میل ختن نمی‌کند
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۲۴)

شاعر گاهی نیز با چشم‌انداز طنز به توصیف مسائلی می‌پردازد که اگرچه در اسلام، منع شده، اما نمودهای آن در جامعه دیده می‌شود:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها
از آن می‌ها که قطعاً می‌برد رنگ غم از دل‌ها
نه از آن می‌که آدم‌گاه می‌بیند زبانم لال
ظروف خالی‌اش افتاده بر شن‌های ساحل‌ها
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

۴-۲-۲- انتقادهای اقتصادی

توجه به معضلات اقتصادی و مشکلاتی که از طریق آن برای مردم پیش می‌آید از دغدغه‌های فیض است. شاعر خود را تافته جدا بافته از مردم نمی‌داند؛ از این رو در قالب نقیضه به نقد گرانی می‌پردازد:

دارم از نرخ گزافش گله چندان که مپرس
که چنان زو شده‌ام بی‌سروسامان که مپرس
تا زدم هر چه پس‌انداز خودم را به دلار
افت کرد آنقدر این قیمت تومان که مپرس...
قیمت آب گران بود گران‌تر هم شد
چه بگویم به تو از گندم و از نان که مپرس
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۷۱ و ۷۰)

شاعر در بیانی تلخ و گزنده و اغراق‌آمیز، این گرانی و بی‌ثباتی در قیمت‌ها را به حدی اسفبار می‌داند که معتقد است فکر کردن به آن خود منجر به تشدید قیمت‌ها می‌شود:

فکر و ذکرت شده بالا نرود قیمت مرغ
لحظه‌ای فکر کنی، باز، گران خواهد شد
فی‌المثل یک‌شبه بالا نرود نرخ هویج
نرخ روزانه آن را که ضمان خواهد شد؟
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۷۳)

به اعتقاد فیض در چنین شرایطی انتظار افزایش حقوق نیز بی‌فایده و نگران‌کننده است:

گفتم به «تهران امروز» ماهانه‌ام را بیفزا
خندید و گفت ای برادر، باشد؛ ولی جا ندارد
گفتم سه تا پسته وقتی نرخش حدود هزار است
یک دیزی آن هم سه‌ترکه این قدر معنا ندارد
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

از سوی دیگر، این مشکلات در مواقعی پیش می‌آید که بهره‌مندی از الگوی اصلاح مصرف نه تنها رعایت نمی‌شود بلکه منابع مختلف طبیعی نیز به هدر می‌رود:

چنین که می‌رود اسراف بی‌امان از آب به غیر خاطره‌ای پشت سد نخواهد ماند
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۱۳۵)

وابستگی اقتصاد به واردات محصولات و نبود تولید داخلی از جمله دیگر انتقادات
اقتصادی فیض است:

چرا ماتم نباشد چین که پیش‌ازین فقط چین بود چرا امروز تأمین می‌کند حتی هل ما را
نه تنها هل، گز و سوهان قم هم یحتمل چینی است ز کار عاملان دنیال کن کارامل ما را
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

درنهایت، شاعر حتی به یارانه‌ای که از سوی دولت به مردم اعطا می‌شود به دیده
انتقاد می‌نگرد و از آن، با اقتباس از ترکیب «حافظ»، با عنوان «لطف به انواع عتاب آلوده»
یاد می‌کند:

مهر ماهانه دولت به دل من نشست آه از این لطف به انواع عتاب آلوده
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۶۴)

۴-۲-۳- انتقادهای اخلاقی

انتقادهای اخلاقی فیض حول و حوش مسائلی مطرح می‌شود که اگرچه بر تحذیر آن
تأکید می‌شود، باز به شکل بارز و چشم‌گیری در بطن زندگی ایرانیان قرار گرفته است.
سخن چینی و حرف پراکنی از جمله ایراداتی است که فیض مطرح کرده است:
حرف در گوشه‌ای که در بم می‌زنی می‌رسد تا قم خراسان نیز هم
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۶۸)

رشته انتقادهای اخلاقی در نقیضه‌های فیض حتی به مسائل ورزشی نیز کشیده
می‌شود و یکی از مسائل مهم فسادانگیز و غیراخلاقی، یعنی تبانی کردن تیم‌های ورزشی
با یکدیگر مطرح می‌شود:

برای آنکه تیمی را ببازانند معلوم است اگر داور تبانی کرده باشد، هند لازم نیست
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۷۹)

توجه به حقوق بشر و جنگ ملتها علیه یکدیگر از دیگر موضوع‌هایی است که فیض بدان پرداخته است:

من دعا می‌کنم ای کاش پس‌ازاین هرگز هیچ قنداقه نگردد به خشاب آلوده
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۶۵)

فیض حتی به حقوق حیوانات توجه داشته و از اینکه انسان‌ها حق حیات را از جانداران می‌گیرند انتقاد می‌کند:

تمام آهوان را آدمی یک روز خواهد خورد ولی هرگز نخواهد خورد چیزی جز گیاه آهو
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۵۹)

۴-۲-۴- انتقادهای فرهنگی

بیشترین انتقادات فرهنگی فیض در ارتباط با بی‌اعتنایی به هنر و هنرمند، بویژه بی‌اعتبار شدن شعر و ادب و غزل است. به تعبیر شاعر، چه افرادی از شعر دیم‌دیم‌دادام در غیاب غزل سود بردند و آن وقت من مثل این‌ها که خیلی مدرن‌اند تو را روی آواز یک زاغ خواهم نشانید

(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

شاعر، آسمان ادب را از غبار «جفنگیات»، تیره‌وتار می‌بیند و از اینکه قبای قول و غزل زیر دست‌وپای ناهلان افتاده شکوه سر می‌دهد:

قبای قول و غزل شد پلاس و زیرانداز کله برای ادب زین نمد نخواهد ماند
شد آسمان سخن تیره در غبار جفنگ ستاره‌ای پس‌ازاین در رصد نخواهد ماند
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۱۳۵)

فیض معتقد است این شاعران تازه‌به‌دوران‌رسیده برای اینکه دیده شوند، روزی چند بار از انجمنی به انجمنی دیگر می‌روند:

باید که شیوه سخنم را عوض کنم شد شد؛ اگر نشد، دهنم را عوض کنم
گاهی برای خواندن یک شعر، لازم است روزی سه بار، انجمنم را عوض کنم
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۷۶)

بنابراین، نباید از این قسم شاعران اتوکشیده، ظاهرپرست و پای‌منقل‌نشین انتظار داشت که چهره درخشانی در میانشان ظهور کند:

اتوکشیده‌ترین شاعران اهل وطن شدند بعد دو شعر خفن رگال‌پرست
به غیر هر سده یک شاعر انتظاری نیست از این جماعت بی‌کرسی زغال‌پرست
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۹۷)

در چنین اوضاعی ناشران نیز به این دل‌خوش می‌کنند که آمار چاپ فلان کتاب به این دلیل زیاد است که شاعر یا نویسنده بزرگی ظهور کرده است:

ناشران دلخوش آمار رمان یا شعرند شاعری نیست در این شهر کتاب‌آلوده
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۶۴)

۴-۲-۵- انتقادهای سیاسی

فیض تمایل چندانی برای ادای انتقادات سیاسی ندارد؛ زیرا معتقد است برخی افراد جریانات سیاسی به دنبال فرصت‌طلبی برای کسب منافع خود هستند و شاعر را در این میان سرزنش یا قربانی می‌کنند:

یکی از بزرگان اهل تمیز که آوردن نام او هست جیز
به من گفت حرف حسابی نزن مگو قرمز و حرف آبی نزن
فضولی مگر این که آن سوی آب چه سرمایه‌ها خفته در هر حساب؟...
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۴۹)

باین‌حال، گاه از طریق نقیضه‌سازی بر اساس اشعار مشهوری که آواخوانان معروف آن را خوانده‌اند بتلویح وقایع سیاسی را به تصویر می‌کشد:

یک شب آتش در ستاد ما فتاد شور و غوغا در دل اعضا فتاد...
تا شود ایجاد از این اقداممان فرصت شغلی برای دیگران
تا کسانی که قدر در این فن اند بار دیگر بر ستاد آتش زند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

وی همچنین، معتقد است که با دو کلمه حرف حساب، کلام آلوده و خدشه‌دار نمی‌شود:

بگذارید هماهنگ نباشد شعرم با دو مصرع نشود حرف حساب آلوده
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۶۴)

فیض با طنزی کوتاه، اما نیش‌دار و تناقض‌وار، موضوع «آزادی» را این گونه هدف می‌گیرد:

فکر کن آزاد آزادی، ولی فکر کن گاهی به زندان نیز هم
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۶۹)

۴-۳- تحلیل ساختاری نقیضه‌ها

از آنجا که اساس نقیضه‌ها بر طنز استوار است و در طنز نوعی ناسازگاری میان عناصر سازنده متن وجود دارد، بنابراین تحلیل ناسازگاری‌های مختلف در سطح کلام حائز اهمیت است؛ زیرا «ناهماهنگی طنز ساز، خوشایند و غافلگیرکننده است؛ چون دستکاری در نظم‌ها و دست‌اندازی به نظام‌هاست. طنزهای بزرگ دست‌اندازی به قلمرو حقایق بزرگ است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۷۷). این ناسازگاری‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه زبان، موسیقی، معنا و تصویر اتفاق می‌افتد.

در ادامه، به تحلیل مهم‌ترین این ناسازگاری‌ها در نقیضه‌های ناصر فیض می‌پردازیم.

۴-۳-۱- ناسازگاری‌های زبانی

منظور از ناسازگاری‌های زبانی، خلاقیت‌هایی است که در حوزه زبان در سطح واژه‌ها، ضمائر، افعال، اسامی و ... روی می‌دهد. در نقیضه‌های ناصر فیض ناسازگاری‌های زبانی، پربسامدترین ناسازگاری‌ها به شمار می‌روند. در ادامه به تحلیل این موارد می‌پردازیم.

۴-۳-۱-۱- واژه‌بازی

یکی از روش‌های خلاقانه فیض در نقیضه‌ها تبدیل واژه‌ها به اسم‌های زنانه است. شاعر به تقلید از این بیت حافظ:

راستی خاتم فیروزه بواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
(حافظ، ۱۳۸۵: ۱۵۲)

و با جابه‌جایی یک حرف یعنی تبدیل «ت» به «ن» و ایجاد اسم خاص کامل، طنز شیرینی آفریده است؛ یعنی «خاتم فیروزه بواسحاقی» را به «خانم فیروزه بواسحاقی» تغییر داده است. فیروزه بواسحاقی در شعر حافظ با ایهامی ظریف هم به ایام خوش حکومت شاه شیخ ابواسحاق و هم به معدن بواسحاقی که از معادن مشهور فیروزه در نیشابور بوده اشاره دارد (ر.ک.: خرمشاهی، ۱۳۸۹: ۷۵۹)؛ درحالی‌که در شعر ناصر فیض این عبارت ایهام‌دار به نام و نام‌خانوادگی خانمی تبدیل شده است:

در عوض خانم فیروزه بواسحاقی که گل سرسبد شعر به هر محفل بود
گرچه اشعار پر از مسئله و ناقص داشت لیک در آنچه که می‌خواست دلم کامل بود
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۳۰)

بازی با اسامی زنانه در دیگر نقیضه‌های فیض نیز دیده می‌شود. شاعر به تقلید از بیت زیر از حافظ:

صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند
(حافظ، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

با تبدیل کلمه «عرش» به «حمام»، و تبدیل کلمه «قدسیان» به «قدسی» فضایی طنزآمیز خلق کرده است:

دوش از حمام می‌آمد صدایی ناشناس کیست با قدسی که شعر حافظ از بر می‌کنند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

در جایی دیگر با لفظ «پری» و درهم‌آمیختگی معنای قدیم و جدید واژه، طنز خلاقانه‌ای ایجاد کرده است:

آن یار که آراسته با نام پری بود سرمایه‌ام از کار و تلاش بصری بود
آن مار پری‌چهره و این یار پری‌نام تحصیل من از درس کلاس نظری بود
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۹۹)

فیض حتی با نام برخی گل‌ها که امروزه بیشتر برای اسامی زنانه استفاده می‌شود، نقیضه ساخته است:

گر به نرگس بشود خیره شقایق نه عجب چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۹۹)

این نوع خلاقیت زبانی در نمونه‌های دیگر که حاصل تقابل معنای دیروزی و امروزی واژگان است نیز رخ می‌دهد؛ مثلاً کارگر شدن در گذشته به معنی «مؤثر واقع شدن» به کار می‌رفته؛ در حالی که امروز در معنای «شغل کارگری پیدا کردن» به کار می‌رود:

کردم روانه هر چه پسر داشتم به شهر باشد کز آن میانه یکی کارگر شود
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۸۰)

یکی دیگر از تکنیک‌های طنزآفرینی فیض در این قلمرو «با ضمائر» است. شاعر به قصد تعریض یا تمسخر برخی شاعرانی که راه افراط را در این زمینه پیش گرفته‌اند^۲، به تکرار بی‌جهت ضمائر در نقیضه‌ها متوسل شده است:

هر کجا من نروم تو نروی ما نرویم صرفه کرده است اگر حضرت ایشان نرود
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۵۲)

یا:

با ضمیر من تو او ما و شما گاه لازم هست ایشان نیز هم
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۶۹)

۴-۳-۱-۲- واژه‌سازی

منظور از واژه‌سازی، ساخت واژه‌هایی است که در زبان معیار به کار نمی‌رود؛ اما در زبان طنز محملی برای خنده و سرگرمی می‌شود. در مثال زیر «ترتکردن» به معنای دوباره‌تر کردن برای مخاطبان تازگی دارد:

گاه نخ را وقت سوزن کردنش تر می‌کنند گر نرفت آن تو درش آورده ترتر می‌کنند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

در نمونه دیگری شاعر برای ادای معنای «متحول شدن» از عبارت «ایجادکردن حوّل‌ها» بهره می‌گیرد:

از آن می‌ها که از دل می‌برد هول خماری را و در حال من و تو می‌کند ایجاد، حوّل‌ها
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۴)

فیض در جایی دیگر به لفظ «ناولها» توجه داشته است. مصدر مناوَله برای «ناولها» در شعر معروف حافظ (الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها) در معنی «رساندن» است؛ درحالی‌که فیض آن را در تعبیر فارسیانه خود در معنای «کسانی که ول(رها) نیستند» به کار برده است:

خیابان شد قرق با ادعای حل مشکل‌ها و مشکل شد عبور از شهر بر ول‌ها و ناول‌ها
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۸۴)

۴-۳-۱-۳- ابهام‌سازی

یکی از تکنیک‌های فیض در نقیضه‌سازی ابهام‌سازی است. ابهام‌سازی از این لحاظ در نقیضه‌سازی ارزشمند است که باعث پاشیدگی یا تودرتویی معانی می‌شود. همچنین، از طریق آن، تأویل‌پذیری در متن صورت می‌گیرد و سبب می‌گردد کشف معنا برای مخاطب قطعیت نداشته باشد. گفته شده «ابهام امکاناتی برای ژرف‌نگری و واکنش‌های خواننده فراهم می‌کند و خواننده را از محدوده متن و مرزهای آن فراتر می‌برد و آزادی اندیشیدن را به ارمغان می‌آورد» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۲۹). در این ارتباط، فیض گاهی برای ایجاد ابهام از ضمایر مبهم استفاده می‌کند:

گر که با این، نشود مشکل هرکس آسان شرط عقل است که هرگز عقب آن نرود
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۵۱)

گاهی از اسم مکان‌های مبهم بهره می‌جوید:

من نخواهم به کسی گفت کجا باید رفت آن‌که بی‌اذن پدر تا لب ایوان نرود
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۵۱)

در برخی موارد، از واژگان مبهم به جهت پنهان‌سازی هویت افراد کمک می‌گیرد:
هرکجا پا می‌گذاری مثل ایکس یا اداراتی از این‌سان نیز هم
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۶۸)

در پاره‌ای موارد، برای افزایش ابهام، کلیشه‌های زبانی را در شعر دخیل می‌سازد:
عشق یک چیز لطیف است زمختش نکنید عشق یک پرده زیباست ولی توری نیست
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۵۶)

یا:

صد بار گفته‌ام به همه دوستان خویش هر چیز را که زود نباید هوا کنند

(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

گاهی نیز ابهام را در معنای کلام می‌گنجاند. چنانکه در مثال‌های زیر واژه «هم» در

بیان معنای کلام این ابهام را ایجاد می‌کند:

هر که تابستان برایش مشکل است فصل سرما و زمستان نیز هم

(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

۴-۳-۱-۴- جمع‌سازی

کاربرد جمع‌الجمع‌ها در زبان معیار غلط محسوب می‌شود؛ اما در زبان طنز و در

نقیضه‌پردازی‌ها باعث آشنایی‌زدایی در زبان می‌گردد؛ «اراذل‌ها، منازل‌ها، مسائل‌ها،

جداول‌ها» در غزلی با همین التزام، از جمله جمع‌الجمع‌ها هستند:

من آنجا بودم اما اشتباهی هم نمی‌کردم گرفتند اشتباهاً بنده را هم با اراذل‌ها

مرا بردند آنجایی که نامش رفته از یادم گروهی را هم آوردند آنجا از منازل‌ها

به آنها گفتم آخر جرم من؟ گفتند می‌فهمی که جرمت بستگی دارد به خیلی از مسائل‌ها

اگر تنها نشست روی جدول اینکه جرمی نیست ولی گویی نشستی با کسی روی جداول‌ها

(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۸۴ و ۸۵)

۴-۳-۱-۵- مصدرهای جعلی یا ساختگی

به کار بردن مصادر جعلی به تقلید از برخی شاعران سبک‌آفرین همچون طرزی افشار،

در نقیضه‌های ناصر فیض نیز دیده می‌شود. فیض در غزلی با ردیف «خودم» از قوافی‌ای

استفاده کرده که همگی مصادر جعلی هستند:

شش بار پیش هم که در آینه زل زدم
از خاطرم نرفته که گرخیدم از خودم...
آن شخص ناشناس که آمد درون من
جا تنگ شد برایم و کوچیدم از خودم...
آری از آسمان به زمین می‌توان رسید
من هم به این رسیدم و شعریدم از خودم
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۳۸)

۴-۳-۱-۶- عامیانه‌نویسی

فیض با به کار بردن واژه‌های عامیانه و صمیمی در نقیضه‌های خویش ضمن ایجاد فضایی تعامل‌آمیز بین خود و مخاطب، بستری را برای تقابل واژه‌هایی فراهم می‌سازد که به آسانی و به راحتی در شعر قرار نمی‌گیرد. درحقیقت، فضای طنزآمیز حاکم بر نقیضه موجب می‌شود این قبیل واژگان مجالی برای جلوه‌گری پیدا کنند؛ واژگانی چون پیزوری، همین‌جوری، دنگ‌وفنگ، شیک‌وپیک، ددری، شل‌شلکی، راه به راه، هی، من‌من، ماما، پادادن، یحتمل، پر بدک و...:

عاشقی لایق هر آدم پیزوری نیست
پسرم عشق که یک چیز همین‌جوری نیست
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۵۵)

یا:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
با همین شل‌شلکی رفتن و با گامی چند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

۴-۳-۱-۷- محاوره‌نویسی

فیض در نقیضه‌هایش در کنار واژگان عامیانه از الفاظ محاوره‌ای نیز بهره می‌جوید. این تکنیک هنرمندانه نه تنها ناسازگاری میان کلمات معیار و محاوره را آشکار می‌سازد، بلکه عاملی برای پرکردن وزن محسوب می‌شود:

دیگر بس است این همه اشکی که ریختم
یا رب نذار صورت من خیس‌تر شود
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۷۹)

یا:

بعضیا عین یه گاوند تعجب نکنید چشم انعام مدارید ز انعامی چند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

گفتنی است فیض علاوه بر به‌کارگیری واژگان عامیانه و محاوره، از واژگان منسوخ‌شده به قصد طنز و طنزپردازی نیز استفاده می‌کند. واژه «تفو» (آب دهان افکندن) در بیت زیر چنین است:

دیگر به قفل یا به کلید احتیاج نیست وقتی تفو به لذت دنیا کند کسی
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

۴-۳-۱-۸- مکررنویسی

یکی از ترفندهای فیض برای ایجاد توجه مخاطب در نقیضه، استفاده از واژگان یا جملات یا ابیات تکراری است؛ گویی که این نوع تکرارها همچون زنگ هشدار توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و بسامد بیش‌ازحد آن علاوه بر آنکه ساختار موسیقایی کلام را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حشوگویی و مهمل‌نویسی را موجب می‌شود؛ از این رو هم خنده بر لبان مخاطب می‌نشیند و هم بر اهمیت موضوعی خاص تأکید می‌شود. به‌عنوان مثال، فیض در شعر «عشق یک چیز لطیف است» کلام خود را با بیت: عاشقی لایق هر آدم پیزوری نیست / پسرم عشق که یک چیز همین جوری نیست آغازیده و دوباره در بیت نهم، مصراع دوم را با تغییر دادن یک کلمه تکرار کرده است:

عشق منظومه زیبای پریشانی‌هاست / پسرم عشق که یک حس همین جوری نیست
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

ناگفته نماند مضمون غزل که پند پدر به پسر است با بیان این نوع مکررگویی کاملاً سازگاری دارد. مکررنویسی حتی در اشعاری که مردف هستند مجالی برای شاعر فراهم می‌سازد تا توانایی و قدرت مضمون‌سازی خود را در نقیضه‌گویی نمایان سازد.

قصیده بلند چهل و دو بیتی کلید (۱) در مجموعه «نزدیک ته خیار» با ردیف «کلید» و با تکرار واژه «قفل» که به تأثیر از شعر کورش کیان قلعه سردی سروده شده، از جمله این دست نقیضه‌ها به شمار می‌رود:

وا می‌شود به عادت معمول با کلید هر قفل و در به دست شما هست تا کلید
درها بدون شک همگی باز می‌شوند در قفلشان فرو برود هر کجا کلید
وقتی که قفل باز شود با فشار دست یعنی که قفل وا شده امانه با کلید...
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

این قبیل تکرارها گاهی نیز در کلمات یک بیت، خود را عیان می‌سازند:
ای جان حدیث ما بر دلدار گو شاید به لطف او بر ما نیز بر شود
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۸۰)

۴-۳-۲- ناسازگاری‌های موسیقایی

برخی شوخی‌های زبانی در نقیضه‌ها با دستکاری در لایه‌های موسیقایی رخ می‌دهد. این ناسازگاری‌ها گاه در موسیقی بیرونی اشعار یعنی وزن نقیضه‌ها جلوه‌گر می‌شوند؛ چنانکه شاعر خود به این موضوع اعتراف می‌کند:

شعرم این بار پریشان شده پا تا به سرش تو در این معرکه از وزن پریشان که مپرس
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۷۲)

یکی از ابتکارهای جالب توجه فیض در قلمرو وزن نقیضه‌ها، استفاده از ریتم‌ها یا صداها به جای واژگان است:

چون می از خم به سبب رفت و گل انداخت نقاب من و دیم‌دیم دارارام و دیری‌ریم‌رامی چند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

شاعر از این طریق ضمن جلب توجه مخاطب به تعریض شعر شاعرانی پرداخته که از دست افاعیل عروضی به تنگ آمده‌اند:

بلبل طبع من اگر لب به ترانه وا کند
طوطی طبع هیچ‌کس تن‌تتن نمی‌کند
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

برجسته‌سازی قوافی خاص یا قافیه‌بازی، از جمله دیگر ظرافت‌های موسیقایی در نقیضه‌های فیض به شمار می‌رود. شاعر در نقیضه‌ای با عنوان «خطاست تا همدان» ضمن برگزیدن کلماتی همچون اسد، سد، نمد، رصد و ... وقتی به بیت آخر رسیده با ایهامی ظریف از قافیۀ «مستند» استفاده کرده است:

به استناد همین قافیه همین غزلم
بدون قافیۀ «مستند» نخواهد ماند
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

این ظرافت در قافیه‌گزینی در بیت پایانی نقیضه‌ای دیگر که شاعر از قوافی‌ای چون شراب، تراب، خراب، خواب، حساب و ... استفاده کرده به شکلی لطیف‌تر هم نمودار شده است:

حاصل ذوق من این نیست، خدا می‌داند
که شود آخر شعرم به «غراب» آلوده
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۶۵)

تقابل واژگانی قافیه نیز موضوع شایان توجه دیگری است که در نقیضه‌ها نمود یافته است. شاعر ضمن انتخاب قوافی معمول در زبان شعر از واژگان نامعمول که کمتر در شعر به کار گرفته می‌شوند بهره برده و همین تقابل سبب جلب توجه مخاطبان شده است. فیض ضمن برگزیدن واژه‌هایی چون «مشکل‌ها و محمل‌ها» برای قافیه از واژه‌هایی چون «خوشگل‌ها و ریمل‌ها» نیز استفاده کرده است. در جایی دیگر قوافی «سخن و پیرهن» را با «ترن و مه‌شکن» قافیه کرده است.

۴-۳-۳- ناسازگاری‌های معنایی

منظور از ناسازگاری‌های معنایی کاربرد بی‌معنا یا ناآشنای کلام است. «کاربرد واژه‌های تازه و غیرمعمول و مهجور یکی از ویژگی‌های بارز «تزییق» و البته آسان‌ترین راه برای رسیدن به سبکی منحصر بفرد است. کاربرد لغات دخیل و بیگانه و اصطلاحات خاص و

زبان پیشه‌وران تا ساخت مصادر جعلی و لغات مستحدث معنی‌گرا یا معنی‌گریز از روش‌های رسیدن به این مقصود است». (شفیعیون، ۱۳۸۸: ۳۵).

شاعر در حوزه معنای دست به آشنایی‌زدایی می‌زند و معانی را از حالت طبیعی خود خارج می‌کند؛ به‌عنوان مثال، گاهی، چنان زبان را به کار می‌گیرد که معنای مشخص یا محرزی نمی‌توان از آن مستفاد کرد.

شعر «کنزالمعانی» در کتاب «نزدیک ته خیار» به تأثیرپذیری از اشعار میرزااحسین مشرف اصفهانی سروده شده که به جهت بی‌معنابودن، در حوزه نقیضه‌پردازی، مؤثر افتاده است:

فریاد خیار اگرچه دور است نزدیک ته خیار شور است
وقتی که الاغ توی کاسه است دریاچه غروب صبح ماسه است
ماه‌یچه که آخرش چه دارد در کوچه شب کلوچه دارد
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

بی‌معناگویی گاه به شکل مهمل‌گویی جلوه‌گر می‌شود:

من از خجالت خود آب می‌شوم که پسر شبیه کاسه‌آبی به سر کشید مرا
از این حکایت مهمل نتیجه می‌گیریم پسر به جای پدر بیشتر کشید مرا
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۴۵)

گاه نیز از طریق بی‌ربط‌گویی یا پرت‌وپلاگویی عیان می‌گردد:

دو بیت آخر این شعر کلاً چیز بی‌ربطی است مگر این قسمت از شعرم کند راضی دل ما را
دو متر و کمتر از هشتاد سانتی‌متر از عرض است که هفده متر طولش هم ندارد قابل ما را
(ناصر فیض، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

۴-۳-۴- ناسازگاری‌های تصویری

فیض، در حیطة تصویرسازی متناسب با فضای نقیضه‌پردازی سعی کرده از ترفندهایی بهره گیرد که برای مخاطب طنزآمیز باشد. درک دقیق این تصاویر به جهت ابهامی که در آن وجود دارد سبب خیال‌انگیزی آن شده است:

دوست دارم غزلم چیز بلندی نشود ورنه، جون همگی، دست من اینجوری نیست
(ناصر فیض، ۱۳۸۴: ۵۶)

تخیلات شاعر در خلق تصاویر کاریکاتوری هم در نوع خود جالب توجه است:
مطمئن هستند روز داوری جایی است که اندر آنجا خلق را با بیل پنجر می‌کند
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

علاوه بر موارد یادشده باید گفت که فیض روش‌های خاصی نیز در سرودن برخی نقیضه‌ها در پیش گرفته است. یکی از این روش‌ها آوردن اشعار دیگران در نقیضه‌هاست؛ یعنی شاعر در خلال نقیضه‌ای که بر اساس یک شعر خاص سروده، اشعاری از دیگر شاعران آورده است؛ مثلاً فیض بر روی یکی از اشعار علی داوودی با مطلع:

هر شب میان مقبره‌ها راه می‌روم شاید هوای زیستنم را عوض کنم
(داوودی، ۱۳۸۸: ۱۷۸)

نقیضه‌ای ساخته که در آن از شاعران دیگر (مولانا و میرزاده عشقی) تأثیر پذیرفته است:

دستی به جام باده و دستی به زلف یار پس من چگونه پیرهنم را عوض کنم
مرگا به من که با پر طاووس عالمی یک موی گربه وطنم را عوض کنم
(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۷۹)

در جایی دیگر فیض برای یکی از اشعار قصاب کاشانی با مطلع:

تا کی به بزم شوقِ غمت جا کند کسی؟ خون را به جای باده تمنا کند کسی؟
(قصاب کاشانی، ۱۳۶۳: ۲۵۳)

نقیضه‌ای ساخته که در آن، تحت تأثیر حافظ و صائب نیز بوده است:

عمر کلید خود منما صرف ناکسان	حیف از طلا که خرج مطلا کند کسی...
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست	خوب است اینکه قفل کسی وا کند کسی...
یک عمر می توان سخن از قفل یار گفت	فکری بر این قصیده غرا کند کسی

(ناصر فیض، ۱۳۸۸: ۵۵)

روش دیگر فیض در نقیضه‌سرایی این است که برای یک بیت، چند بیت نقیضه ساخته است؛ مثلاً برای بیت مشهور و مطلع غزل حافظ چند بیت نقیضه‌ای سروده است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را	به دست آورده با دل درحقیقت کامل ما را
یا:	
اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را	من از روی ادب باید دل او را به دست آرم
یا:	
اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را	به دستش می‌دهم کاری که بار آخرش باشد

(ناصر فیض، ۱۳۹۵: ۱۱ و ۱۲)

۵- نتیجه‌گیری

چنانکه ملاحظه شد اصطلاح نقیضه در زبان فارسی تغییر معنایی پیدا کرده است. بر اساس شواهد سبک‌شناختی، نخستین نقیضه‌ها بیشتر به قصد بگومگوهای شاعرانه و جواب‌گویی‌های حرمت‌شکنانه و دشمن‌ورزانه یا قدرت‌مندی‌های شاعرانه سروده می‌شده؛ اما به مرور زمان تبدیل به نوعی انتقادگری و طنزپردازی شده و گاه حالت سرگرم‌کنندگی یافته است. این نوع ادبی در ادبیات مغرب‌زمین، با عنوان «پارودی» شناخته شده است. پارودی هم به‌مانند نقیضه با اهداف مختلفی سروده می‌شده و در هر دوره‌ای شکلی خاص به خود گرفته است. بنابراین مقایسه پارودی در ادبیات فرنگی با نقیضه در ادبیات فارسی معیار مشخص و دقیقی پیدا نمی‌کند. این نوع ادبی به انحاء

مختلف در فرهنگ‌ها و تاریخ ادبیات‌های ملل از گذشته تا حال وجود داشته و بسته به کاربرد آن، حالتی خاص یافته است.

بنابراین بهتر است در هر فرهنگ و سرزمینی متناسب با تحولات تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و ادبی، معنای دقیق اصطلاح مورد نظر نمایانده شود. با توجه به تحقیقات انجام‌گرفته می‌توان گفت نقیضه در ادبیات فارسی نوعی تقلید طنزآمیز هنرمندانه است که با تأثیرپذیری از ساحت ساختار آثار ادبی شکل می‌گیرد و برای مقاصدی چون جواب گفتن، دشمنی ورزیدن، به استهزاء گرفتن، فحش دادن، خندانیدن، سرگرم‌ساختن، انتقادکردن و... به کار می‌رود.

بررسی اشعار ناصر فیض نشان می‌دهد که این شاعر معاصر به سرودن نقیضه‌ها علاقه داشته است. یک مجموعه شعر او به نام «فیضاً له» به صورت کامل به بیان بیت‌های نقیضه‌ای متأثر از دیوان حافظ اختصاص داده شده است. بیشتر نقیضه‌های فیض متأثر از اشعار حافظ بوده و این انتخاب هوشمندانه حاکی از این است که فیض هم به اشعاری که در حافظه عمومی مردم وجود داشته و آن را شنیده‌اند، نظر داشته و هم در عمل با اشعار خواجه شیراز انس داشته و از رندی‌های او تأثیر پذیرفته است. گفتنی است نقیضه‌پردازی‌های فیض عمدتاً در قالب‌هایی چون غزل، مثنوی و قصیده آشکار می‌شود.

از لحاظ محتوایی، فیض ضمن اینکه بر لبان مخاطبانش خنده می‌نشانند، انتقادهایی را مطرح می‌سازد و از این طریق ژرف‌ساخت نقیضه‌های خود را نمایان می‌سازد؛ از این رو محتوای اشعار او در محور عمودی، منسجم و حول و حوش یک موضوع خاص نیستند و اغلب حالت متنوع دارند. فیض در زمینه موضوعات اجتماعی به مسائلی همچون رشوه‌گیری مسئولان، بی‌مسئولیتی مدیران، فرار مغزها و... توجه کرده است. در حیطه معضلات اقتصادی بیشتر از همه دغدغه فقر و گرانی را داشته؛ در ارتباط با انتقادات اخلاقی، بیشتر به نقد رفتارهای شخصی افراد پرداخته و در زمینه انتقادهای

فرهنگی، دغدغه‌های شخصی اهل فرهنگ و فضل و ادب را مطرح ساخته و تمایل چندانی برای بیان انتقادات سیاسی نداشته است.

فیض متناسب با ساختار نقیضه‌ها به بیان ناسازگاری‌هایی در حیطه زبان، موسیقی، معنا و تصویر پرداخته است. ناسازگاری‌های زبانی، عمده‌ترین تکنیک فیض در قلمرو ساختاری به شمار می‌رود. وی از طریق بازی با واژه‌ها (مثلاً تبدیل خاتم فیروزه بواسحاقی به خانم فیروزه بواسحاقی) یا از طریق ساختن واژه‌های من‌درآوردی (مثلاً تَرترکردن به معنی دوباره تر کردن) یا از طریق کاربرد مبهمات (مثلاً چیز، مورد، ایکس و...) یا از طریق جمع‌الجمع‌ها (مدارس‌ها، منازل‌ها، جداول‌ها و...) یا از طریق کاربرد مصادر جعلی (مثلاً گرخیدن، شعریدن و...) یا از طریق محاوره‌نویسی، عامیانه‌نویسی و... مکررگویی نمودهای زبانی ناسازگار را آشکار کرده است. در قلمرو موسیقی نیز با دستکاری در وزن و قافیه و ردیف، هم فضای شعری متناسبی آفریده و هم مجاللی برای نمودارکردن توانایی خود در مضمون‌پردازی پیدا کرده است. به لحاظ معنایی، از ترفندهایی چون مهمل‌گویی، بی‌ربط‌گویی و آشکارگویی بهره برده است. در زمینه صورخیال هم به مدد تخیل طنزآمیز خود تصویرهای بدیع و کاریکاتوروار خلاق کرده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- در حال حاضر، ناصر فیض کتابی نیز با عنوان «حافیض» که دربرگیرنده ۶۰ غزل نقیضه به تقلید از شعر حافظ است، زیر چاپ دارد.
- ۲- این شعر در دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب در ماه مبارک رمضان (۱۳۹۵) توسط شاعر خوانده شده است.
- ۳- تعریض فیض به شاعرانی است که ضمائر را به شکلی خاص به کار برده‌اند؛ از جمله این شعر از حمید مصلدق: «چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم؟/خانه‌اش ویران باد! /من اگر ما نشوم، تنه‌ایم! /تو اگر ما نشوی، خوشتنی... /از کجا که من و تو/ شور یکپارچگی را در شوق/ باز بر پا نکنیم؟»

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۹۰)، نقیضه و نقیضه‌سازان، تهران: زمستان.
۲. انوشه، حسن (۱۳۷۶)، فرهنگ‌نامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات و مضامین و موضوعات ادب فارسی)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۵)، دیوان اشعار به تصحیح رشید عیوضی، تهران: امیرکبیر.
۴. حلبی، علی‌اصغر (۱۳۶۴)، تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران، تهران: بهبهانی.
۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۹)، حافظ‌نامه، تهران: علمی و فرهنگی.
۶. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی (واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی) (۱۳۸۰)، تهران: مروارید.
۷. داوودی، علی (۱۳۸۸)، مردگان بسیارند (گزیده اشعار)، چاپ دوم، تهران: تکا.
۸. رامین، علی و کامران فانی و محمدعلی سادات (۱۳۸۹)، «نقیضه یا پارودی»، دانشنامه دانش‌گستر، تهران: دانش‌گستر، صص ۱۳۸۰-۱۳۸۲.
۹. فتوحی، محمود (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
۱۰. فیض، ناصر (۱۳۸۴)، املت دسته‌دار، تهران: سوره مهر.
۱۱. _____ (۱۳۸۸)، نزدیک ته خیار، تهران: سوره مهر.
۱۲. _____ (۱۳۹۲)، فیض‌بوک، تهران: سوره مهر.
۱۳. _____ (۱۳۹۵)، فیضاً له، تهران: کتاب قاف.
۱۴. قصاب کاشانی، سعید (۱۳۶۳)، دیوان قصاب کاشانی، به کوشش جواهری وجدی، تهران: سنایی.

۱۵. موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۰)، دگرخند؛ درآمدی کوتاه بر طنز و هزل و هجو در تاریخ و تاریخ معاصر، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۶. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶)، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.

ب) مقاله‌ها

۱. اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «نگاهی به چند اصطلاح و موضوع رایج در هنر طنز» نشریه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۷۳، صص ۷۸-۸۳.
۲. بهمنی مطلق، یدالله و مرضیه مالکی (۱۳۹۴)، «بررسی مفهوم تعارض و انواع آن در فن جواب در شعر فارسی از آغاز قرن ششم»، نشریه کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۶، شماره ۱، صص ۷۱-۹۴.
۳. جوادی، حسن (۱۳۶۵)، «تقلید مضحک و کنایه طنزآمیز»، نشریه آینده، سال ۱۲، شماره ۳ و ۴، صص ۱۲-۱۸.
۴. زیرک، نصرالله (۱۳۹۰)، «تحلیل ساختار و کارکرد پارودی در دیوان البسه نظام قاری یزدی»، نشریه تخصصی زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد مشهد)، شماره ۲۹، صص ۱۳۸-۱۵۵.
۵. شفیعیون، سعید (۱۳۸۸)، «تزییق نوعی نقیضه هنجار ستیز طنزآمیز در ادبیات فارسی»، نشریه ادب پژوهی، شماره دهم، صص ۲۷-۵۶.
۶. صدریان، محمدرضا (۱۳۸۹)، «تحلیل تعاریف نقیضه»، نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۸، صص ۱۷۱-۲۰۲.
۷. عرب‌نژاد، زینب و دیگران (۱۳۹۵)، «اصطلاح‌شناسی تطبیقی نقیضه و پارودی»، نشریه ادبیات تطبیقی، سال ۸، شماره ۱۵، صص ۲۴۵-۲۶۷.
۸. فتوحی، محمود (۱۳۸۷)، «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چندلایگی معنا»، نشریه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۶۲، صص ۱۷-۳۶.

۹. فلاح قهرودی، غلامعلی و زهرا صابری تبریزی (۱۳۸۹)، «نقیضه و پارودی»، نشریه پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، شماره ۴، صص ۱۷-۳۲.
۱۰. قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۸)، «نقیضه در گستره نظریه‌های ادبی معاصر»، نشریه نقد ادبی، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۲۷-۱۴۷.

